

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج اصول آیت الله اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۵۹»

سال تحصیلی ۹۹ - ۹۸

تقسیمات حکم:

حکم از جهات متعدد دارای تقسیماتی است که برای تجتّب از خطا و اشتباه و برای اینکه معلوم شود آثار مترتبه بر این تقسیمات چیست و کدام آثار بر کدام قسم از حکم مترتب می‌شوند، لازم است تقسیمات حکم را بیان کنیم. قبل از بیان تقسیمات ابتدا به این نکته اشاره می‌کنیم که حکم مقام جعلی دارد و مقام مجعولی.

و هر حکمی متعلقی دارد که حکم عارض بر آن می‌شود و معروض حکم یا فعل است که به آن متعلق می‌گوییم و یا شیء است که به آن موضوع می‌گوییم؛ و آن شیء که معروض حکم قرار می‌گیرد - یعنی موضوع - گاهی فاعل است؛ زیرا حکم به فعل تعلق می‌گیرد و آن فعل، فاعلی دارد. و گاهی اگر حکم وضعی باشد، شیئی مثل عین خارجی است که معروض به حکم نجاست یا ملکیت قرار می‌گیرد به لحاظ اینکه شیء در خارج است حکم بر آن عارض می‌شود و نه عنوان فعل.

شیئی که معروض حکم قرار می‌گیرد، در مقام جعل فرض الوجود آن شیء می‌شود و وجود افتراضی او مدّ نظر قرار می‌گیرد و سپس حکم جعل می‌شود مثلاً: «العاقل البالغ يجب عليه الصلاة». که فرض می‌کند وجود عاقل بالغی را و جعل می‌کند حکم را بر فرض وجود آن. و معنایش مثل این می‌شود که بگوید: «اذا وجد البالغ العاقل يجب عليه الصلاة» و این وجود افتراضی موضوع جعل قرار می‌گیرد. این حکم در مقام جعل است.

حالا اگر این شیء در خارج محقق شد، آن حکم در عالم خارج تحقق خارجی پیدا می‌کند به این معنا که آن حکم با آن شیء خارجی تحقق پیدا می‌کند و لذا به آن حکم مجعول می‌گوییم که نتیجه و اثر آن جعل است.

نکته: از حکم در مرحله جعل می‌توانیم به «انشاء» تعبیر کنیم و حکم در مرحله مجعول را به «فعلیت» تعبیر کنیم. و این دو مرحله دو مرحله یک حکم اند و دو حکم وجود ندارد.

باتوجه به این توضیح، تقسیمات حکم، گاهی تقسیمات حکم در مقام جعل است و گاهی تقسیمات حکم به لحاظ حالت مجعول است.

تقسیمات حکم شرعی در مقام جعل:

نکته: ممکن است این توهم پیش بیاید که یکی از تقسیمات حکم در مقام جعل، تقسیم حکم به مولوی و ارشادی است؛ لکن ما معتقدیم حکم ارشادی نداریم و وقتی گفته می‌شود «حکم»، مراد جعلی که از حاکم بما هو حاکم صادر شود؛ و حیثیت حاکم؛ یعنی حیثیت مولوی و حکم، یعنی امر و نهی و این حکم لایکمن ان یصدر من المولی الا من جهت مولویته و لذا اگر حکمی که از مولی به حیثیت مولویتش صادر نشود، اصلاً حکم نیست.

و اوامری که از آنها به اوامر ارشادی تعبیر می‌شود، صورت الامر است و نه امر واقعی و در حقیقت تنبیهی به حکم عقل است و به معنای «اعلموا» و «تنبهوا» است و وقتی می‌گوید: «اعبدوا الله» و «اطیعوا الله» یعنی «اعلموا ان الله حق له ان یُعبد و یطیع» که این -تنبیه به حکم عقل- یک نوع از امر ارشادی است و انواع دیگر نیز دارد که در گذشته بیان کردیم مثلاً امر ارشادی به نتیجه الفعل.

بنابراین تقسیم حکم به ارشادی و مولوی تقسیم مجازی است و تسامحی است و واقعی نیست و حکم فقط از مولا بما هو مولا صادر می‌شود.